

در آخرین نشست شورای پروانه تولید سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر (ساترا)، محمدرضا شفیعی و حجت قاسم‌زاده‌اصل برای تولید سریال‌های «قمارباز» و «راه‌های فرعی» از ساترا مجوز گرفتند. در آخرین جلسه شورای صدور مجوز تولید ساترا، چهار طرح ارسال‌شده به دبیرخانه‌شورا مورد بررسی قرار گرفتند و طرح‌های قمارباز به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و راه‌های فرعی تأیید شدند.

سریال‌های «قمارباز» و «راه‌های فرعی» مجوز گرفتند

ن «در «جام جم» مطرح شد:

ناد، الگوسازی می‌کند



با نقش بیتا در سریال «آوی باران» شناخته‌شدم و هرجندبی‌نشان اولین تجربه همکاری من با راماقویدل نبود اما بسیار از او ممنونم که دوباره به من اعتماد کرد و با توجه به این‌که اصولا چه در انتخاب نقش و چه در هر امر دیگری مربوط به اثرش ظرافت بسیار دارد

بسیار خوشحالم که با وجود حساسیت ذاتی‌شان، انتخاب‌شان من بودم. من هم مانند بسیاری از بازیگران دوست ندارم به تکرار یک نقش بپردازم و این در حالی است که پیشنهادهایی مشابه‌ی بتای سریال آوی باران برایم بسیار تکرار شد که ترجیح دادم نپذیرم. زمانی که راما قویدل با من تماس گرفت، در اولین جمله به من گفت که ریحانه، همان نقش و با همان جذابیت‌هایی است که دوست داری و حتی از آنچه تصور می‌کنی جذاب‌تر است. این دقیقاً همان اتفاقی بود که رخ داد و زمانی که فیلمنامه را خواندم متوجه ظرافت‌هایی‌شدم که اشاره کرده بودند و بی‌بردم در واقع همان قدر که توانستم از ظرفیت‌های منفی بیتا برای به تصویر کشیدنش استفاده کنم می‌توانم مثبت بودن ریحانه را هم دوست داشته باشم و خودم را به آن نزدیک کنم. اتفاقی که راما قویدل در رخ‌دادنش بسیار موثر بود و در مواقعی که نمی‌دانستم در چنین خانواده‌ای بودن، خانواده‌ای فرهنگی‌با حضور پدری که هم جانباز است و هم خبرنگاری پیشکسوت، چه باید بکنم و در مواجهه با چالش‌هایی که در پی وصلت با خانواده همسرش رایش ایجاد می‌شود چه واکنشی نشان دهم، راهم‌ایام می‌کردند.

آی و این نظرا می‌پذیرید که در انتخاب نقش وسواس به خرج می‌دهید و این گونه نیست که به شکل پیوسته شاهد حضورتان در قالب تلویزیون باشیم؟
پارسا: بله، به گونه‌ای که حتی بعد از ریحانه، نقشی خاکستری به من پیشنهاد شد که اتفاقا پرچالش هم بود و گمان می‌کنم دیده می‌شد ولی ترجیح دادم

طرح «قهوه‌ترک» به نویسنده‌گی محمدرضا ضایبی‌راد و نغمه ثمینی و کارگردانی منیر قیدی که توسط رسانه «فیلم‌نت» ثبت شده بود، مورد بررسی اعضا قرار گرفت و مقرر شد دو نفر از اعضای‌شورا در نشست مشورتی با نویسنده و کارگردان، طرح سریال را ارزیابی کنند. آخرین طرح بررسی‌شده در جلسه‌شورا، «بامداد خمار» مقرر گردید جلسه کارشناسی با نویسنده و تهیه‌کننده برگزار و نتیجه جلسه مشورتی برای رزاق کریمی؛ همیشه هستند کسانی که ممکن است گمان کنند آنچه نشان می‌دهیم در مورد آنهاست در صورتی که این گونه نیست و قصه ما، قصه‌ای مستقل است.

قویدل: در واقع عده‌ای در آن سوی مرزها می‌خواستند متین را مصاحره به‌مطلب کنند و در واقع سلب‌ریتی‌ستیزی متین را به خودشان نسبت دادند و اعلام کردند این، آنها هستند که در قاب تلویزیون به تصویر کشیده شده‌اند.

زارعی: و این در حالی است که یک خبرنگار پایا‌راتری فرضی، می‌تواند نمونه نمایشی یک جمع باشد و نه الزاما یک فرد.

آی اجازه دهید نقدی را که به سریال بی‌نشان می‌شود با این جملات بیان کنم. گمان نمی‌کنید خبرنگار پیشکسوت‌تان، شهاب‌الدین ادهم، بیش از اندازه و به گونه‌ای غیرواقعی مشغول تجسس است و بیش از خبرنگار بودن به سمت کارآگاه بودن رفته‌است؟
قویدل: به نسبت واقعیت؟

بله، به نسبت واقعیت.
آی قویدل: به نظر من، وظیفه ما، به عنوان هنرمند، نگاه دوباره انداختن به آرمان‌های‌مان است و با این تعریف، یکی از اهداف مدنظر ما در بی‌نشان بیدار کردن دوباره آرمان‌هایی است که رفته رفته کم‌رنگ، کم‌فروغ و دچار خفگی شده‌اند؛ به عنوان مثال نشان دادن این‌که شاید هنوز در جامعه ما خبرنگارانی باشند که عدالت خواهی، آرمان‌گرایی، نگاه ایده‌آلیستی و کمال‌گرایانه در وجودشان زنده است اما شرایط و موقعیت کنونی‌شان این نگاه را کم‌فروغ می‌کند و شاید بی‌نشان حرقه‌ای برای بازگشت به اصل خود را در ذهن‌شان بزند. این اعتقاد من است هرچند که به گمانم بهتر است خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در موردش صحبت کنند.

آی اما احتمالا اعتراض خبرنگاران را هم به تصویری که از آنها در بی‌نشان نشان داده‌اید شنیده‌اید؟

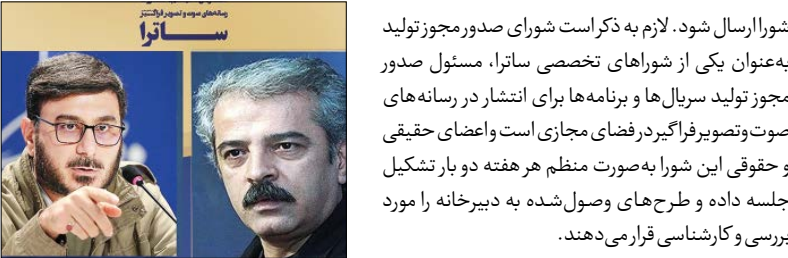
قویدل: بله، شنیده‌ام و ظاهرا خبرنگارانی را ناراحت کرده‌ام که این دیگر چطور خبرنگاری است؟! اتفاقی که اتفاقا از نظر من نشانه‌ای خوب است که نشان می‌دهد آن تلنگری که باید زده شده‌است و به‌نظرم خبرنگاری که چنین ایرادی را مطرح می‌کند در واقع در حال نشان دادن نقطه‌ضعف خود و ایراداتی است که به کارش وارد است. تعریف خبرنگار در همه جای دنیا یعنی کسی که روشنگری و راه را باز می‌کند، کسی که جامعه را آگاه می‌کند و این در حالی است که خبرنگاران ما همگی در تحریریه‌ها نشسته‌اند و پایشان را هم از در تحریریه بیرون نمی‌گذارند.

رزاق کریمی: در تکمیل آنچه را ما قویدل گفت باید اشاره کنم من به‌شخصه نمونه‌هایی مشابه شهاب‌الدین ادهم را سراغ دارم، نه در گذشته که

در همین زمان فعلی، خبرنگارانی که تهدیدهایی شده‌اند که حیرت می‌کنید و اگر نام‌شان را بگویم قطعا می‌شناسیدشان.

آی شما به عنوان بازیگر این نقش، هنگام خواندن

شورا ارسال‌شود. لازم به ذکر است شورای صدور مجوز تولید به‌عنوان یکی از شورا‌های تخصصی ساترا، مسئول صدور مجوز تولید سریال‌ها و برنامه‌ها برای انتشار در رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر در فضای مجازی است و اعضای حقیقی و حقوقی این‌شورا به‌صورت منظم هر هفته دو بار تشکیل جلسه داده و طرح‌های وصول‌شده به دبیرخانه را مورد بررسی و کارشناسی قرار می‌دهند.



فیلمنامه، نسبت به سوبه کارآگاه‌منش بودن کاراکتر شهاب‌الدین ادهم حساس نشندید یا آزارتان نداد؟
فلا‌حی‌پور: من معتقدم هنر و به‌طور مشخص هنر فیلمسازی و من به‌عنوان بازیگر و نویسنده به‌عنوان خالق این کاراکترها و ... باید «آنچه را که باید باشد» به تصویر بکشیم نه «آنچه را که هست». وظیفه هنر از نظر من، کد دادن و هدایت‌کردن است، من با بازی در نقش شهاب‌الدین ادهم در حال بیان این موضوع هستم که خبرنگار باید این‌گونه باشد، خبرنگار باید پیگیر باشد، خبرنگار باید متعهد باشد و ... در حقیقت نویسنده فیلمنامه، کارگردان و من به‌عنوان بازیگر در حال آماده‌سازی یک بسته‌بندی ایده‌آلیستی برای مخاطب و نشان دادن این نکته به او هستیم که در جهانی آرمانی، یک خبرنگار باید این‌گونه باشد

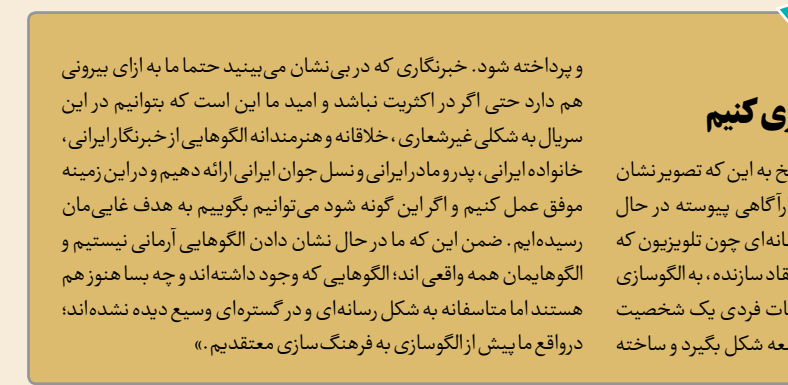


فلا‌حی‌پور: من با بازی در نقش شهاب‌الدین ادهم در حال بیان این موضوع هستم که خبرنگار باید پیگیر و متعهد باشد

آی انتقاد دیگری که به بی‌نشان وارد می‌شود فضایی است که از سوی برخی مخاطبان با عبارت‌هایی چون فضای یادآور دهه ۶۰ توصیف شده‌است. آن فضای نوستالژیک یا آن سنت‌گرایی که در خانه شهاب‌الدین ادهم می‌بینیم با چه هدفی شکل گرفت و می‌توان هدفش را یادآوری آنچه از دست داده‌ایم یا از دست رفته‌است دانست؟

قویدل: اگرچه آنچه می‌گویید صحیح است اما فراموش نکنید ما در کنار این فضا، فضای مدرن را هم نشان می‌دهیم. ما شاهد حضور دو خانواده در بی‌نشان هستیم. خانواده ادهم و خانواده کاظمی که داستان‌شان با هم پیش می‌رود و بله، خانواده ادهم دقیقا حائز همین ویژگی‌هایی است که به آنها اشاره کردید؛ خانواده‌ای صمیمی در خانه‌ای گرم با مولفه‌های روابط نزدیک و صمیمانه که می‌توان ایرانی نامیدش و در تقابل با آنها، خانواده کاظمی را می‌بینیم که اگرچه اخلاق‌گراست و دیالوگ‌هایی اخلاق‌مدارانه هم از زبان‌شان می‌شنویم اما مولفه‌های مدرنیته در خانه و خانواده‌شان به‌وضوح قابل ملاحظه است و به‌عنوان مثال در خانه خانواده کاظمی، نورهای اربب پرکنتر مثال در خانه‌های خانواده ادهم را می‌گیرد. ما می‌خواستیم تفاوت این دو جهان با یکدیگر به‌شدت محسوس باشد و مخصوصا وقتی از یک خانه به خانه دیگر کات می‌زنیم این دو جهان کاملاً متفاوت از یکدیگر به چشم بیایند.

آی و قصد تقبیح کسی و تقدیس دیگری را داشتید؟ قویدل: نه، به‌هیچ‌عنوان. هرکدام از این دو جهان ممکن است خوبی‌ها و بدی‌هایی داشته باشند و ما صرفا می‌خواستیم تقابل‌شان را با یکدیگر نشان دهیم، هرچند در نهایت آن چیزی که در پایان سریال می‌بینیم و اتفاقاتی که در هرکدام از این خانه‌ها می‌افتد، تعیین‌کننده است. برای جمع‌بندی باید اشاره کنم که فکر می‌کنم در سؤال‌تان به نکته درستی اشاره کردید اما اشاراتان کامل نبود، این‌که



و پرداخته‌شود. خبرنگاری که در بی‌نشان می‌بینید حتما ما به ازای بیرونی هم دارد حتی اگر در اکثریت نباشد و امید ما این است که بتوانیم در این سریال به شکلی غیشرعاری، اخلاقانه و هنرمندانه الگو‌هایی از خبرنگار ایرانی، خانواده ایرانی، پدر و مادر ایرانی و نسل جوان ایرانی ارائه دهیم و در این زمینه موفق عمل کنیم و اگر این گونه شود می‌توانیم بگوییم به هدف غایی‌مان رسیدیم.ایم. ضمن این که ما در حال نشان دادن الگو‌هایی آرمانی نیستیم و الگو‌هایمان همه واقعی‌اند؛ الگو‌هایی که وجود داشته‌اند و چه بسا هنوز هم هستند اما متأسفانه به شکل رسانه‌ای و در گستره‌ای وسیع دیده نشده‌اند؛ درواقع ما پیش از الگوسازی به فرهنگ سازی معتقدیم.»



سه‌شنبه ۱ شهریور ۱۴۰۱ شماره ۶۲۹۰



روایت چالش‌های خبرنگاران



«بی‌نشان» به کارگردانی راما قویدل سریالی است که از هفته گذشته راهی آنتن شبکه سه سیما شده‌است. این سریال از معدود آثاری است که به موضوع چالش‌های عرصه خبر پرداخته و اتفاقا جزئیات و مشکلات این حرفه پرچالش را به خوبی مدنظر قرار داده‌است. راما قویدل با این‌که هیچ سبقه‌ای در کار خبرنگاری ندارد اما به‌خوبی توانسته کاراکتر خبرنگار را در اثرش خلق کند. پرویز فلا‌حی‌پور، رضا ایرانمنش، محم‌صادق ملک و به‌ویژه سعید زارعی بازیگر جوان تئاتر، سینما و تلویزیون نیز به‌عنوان دو خبرنگار اصلی قصه به‌خوبی از پس نقش‌هایشان برآمده‌اند.

همچنین نویسندگان و کارگردان فیلمنامه بی‌نشان توانسته‌اند وسواس‌ها، دغدغه‌مندی‌ها، پیگیری‌ها و حساسیت‌های خبرنگاران را با جزئیات و کاملا ملموس و حقیقی به نمایش بگذارند و نشان دهند که خبرنگاران با چه معضلاتی مواجهند، چگونه برای کشف حقایق تلاش می‌کنند و حتی چگونه ممکن است گاهی برخی از آنها در دام دغلکاران و مافیای ثروت و قدرت بیفتند. به انحراف کشیده‌شده و دچار درس‌رو شوند.

شاید مردم عامه شناخت و آگاهی چندانی از سختی‌ها، مشکلات و دردسرهای کار خبرنگاران که شغل‌شان یکی از مشاغل سخت نیز محسوب می‌شود، نداشته باشند و ندانند این قشر با چه مسائلی مواجه و درگیرند، بنابراین ساخت و تولید چنین آثاری به‌ویژه در رسانه ملی که مخاطبان بیشتر و گسترده‌تری دارد، بتواند مردم را با این شغل و مختصاتش بیش از پیش آشنا کند و شناخت کافی نسبت به این حرفه به آنان بدهد. حرفه‌ای که در پیشبرد اهداف و رفع مشکلات ر جامعه‌ای بسیار موثر است و می‌تواند تغییراتی شگرفی در بسیاری از امور ایجاد کند.

حرفه‌ای که شاید در ظاهر مهشود نباشد اما به دلیل میزان استرس و انواع فشارهای روحی و همچنین آسیب‌های جسمی به چشم و مغزو دست و گردن افراد، خیلی زود آنها را زایل‌پاری آورد.

حرفه‌ای که حتی به گفته بسیاری از پزشکان برای جمع‌گیری از‌شاعلان آن در نهایت منجر به بیماری ام‌اس و دیگر بیماری‌ها می‌شود.

از مشکلات و سختی‌های این شغل هر چه گفته‌شود، کم است و متأسفانه ازجمله مشاغلی است که چندان‌که باید قدر دانسته نمی‌شود. حتی در بسیاری موارد شاهد برخورد‌های نامناسب از سوی مسئولان و سلب‌ریتی‌ها و حتی مردم عامه با خبرنگاران بوده و هستیم.

حال شاید ساخت و پخش آثاری همچون بی‌نشان موجب شود هم مردم و هم مسئولان با جزئیات و مصائب این شغل بیشتر آشنا شوند، شاید در نوع تفکر، نگاه و برخورد آنها با زحمتکشان عرصه خبر تأثیر‌بخگذار و از این پس شاهد برخورد‌ها و رفتارهای مناسب‌تری با این افراد باشیم.

البته تا به امروز آثاری ساخته‌شده و به‌صورت بسیار جزئی به موضوع خبرنگار پرداخته‌شده‌است. این آثار نه تنها کم بوده، بلکه نگاه صحیح به خبرنگار نشده‌بود.



این در حالی است که این شغل جای کار بسیاری دارد و سازندگان آثار نمایشی می‌توانند باز هم روی این موضوع دست بگذارند.



روایت چالش‌های خبرنگاران

محمد سعید وزیری:

یک دفتر روزنامه واقعی



محمد سعید وزیری، مجری طرح سریال

«بی‌نشان» درباره لوکیشن‌های این سریال

توضیح داد برای دفتر سانی که محور قصه

است، سراغ یک دفتر روزنامه واقعی رفته‌اند.

این هنرمند ادامه داد: طرح این سریال از

چند سال قبل در ذهن آقای رزاق کریمی بود و قرار بود به تولید برسد و به این نتیجه رسیدیم که سال گذشته با کارگردانی راما قویدل آغاز شود. وی اضافه کرد: پیش تولید این سریال حدود چهار ماه طول کشید و زمان زیادی صرف شد، چون هم راما قویدل و هم مرتضی رزاق کریمی نظرشان این بود که قصه باید پخته‌شود. وزیری درباره لوکیشن دفتر سردبیر سایت و تحریریه‌ای که نمایش داده می‌شود، عنوان کرد: لوکیشنی که دیده می‌شود، دفتر واقعی یک روزنامه و تحریریه‌ای است که واقعا وجود دارد. البته ما دکورهای زیادی برای سریال ساختیم و مثلا خانه شهاب بازسازی کاملی داشت اما برای دفتر سایت و اتاق شهاب به لوکیشن واقعی رفقیم، چون حس و حالی که در روزنامه بود به این ترتیب انتقال پیدا می‌کرد.

بی‌نشان از یک تصویر

ایده‌آل نشان دارد

روزنامه جام‌جم در یکی از روزهای

گرم تابستان میزبان عوامل

مجموعه تلویزیونی «بی‌نشان»

شد که این شب‌ها از شبکه

سه پخش می‌شود. این سریال

تلویزیون روایتگر خبرنگاران و

چالش‌هایی است که با آن روزانه

دست و پنجه نرم می‌کنند،

چالش‌هایی که برای انتشار خبر و

پیگیری خبرها از مسئولان دارند.



برای تماشای ویدئوی نشست کدرا اسکن کنید